

(عنوان مراسلات)

رشت الفصح المتكلمين

قيمت اعلانات مطري يكقران

مقالات مفیده قبول

و مندرج ميشود

الکلیلا

قيمت اشتراك ساليانه

رشت ۱۵ قران

سایر بلاد ۱۷ قران

قيمت يک ورق

در همه جا سه شاهی

﴿ بعد از ارسال پنج نسخه وجه اشتراك دريافت ميشود هفت دو نمره طبع و توزيع ميشود ﴾
 ﴿ بتاريخ (۵) شهر شوال المکرم ۱۳۲۷ ﴾

شما که ملاحظه اين کلمات می کنید البته خودتان را حاضر کرده ايد که وطن خواه را از خود خواه تمیز بدهيد ، وطن خواهی شمارا دو چیز واجب می کند . یکی دور و طولانی و پیر زحمت و دیگری اقتدر نزدیک است که نمی بینید . انکه دور است ملاحظه حال اروپائیان است که چطور در سایه وطن خواهی نائل بقرقيات خود شدند ، وانکه نزدیک است گفته پیغمبر است که (حب الوطن من الايمان) من می بینم حال شمارا که می ترسید از انکه بگوئید چه ضرر دارد که ما بسرو سامان باشیم و وطن نخواهیم ، پس من خواهم گفت که من دیگر باشما حرفی ندارم

مشرف ساخت اداره جریده مارا مردی هنرمند از دانشمندان مصر (حضرت محمد طلعت افندی) که از حال و مقال او فهمیده شد که برای سیاحت ممالک چین مسافرت از وطن مالوف فرموده و خواسته است از راه ایران عبور کند که اطلاعات خود را برای جراید مصر بنویسد . زمان ما اینست که اول مصری است که در این اوقات اخیره بخاک ایران وارد شده است و در هنگام مسافرت خود کتابی تدوین و تالیف کرده است که حاوی است تواریخ حالات کبار علما و امراء ایرانیه را و عکسهای ایشان را چنانکه اهالی مصر میل دارند که وقوف پیدا کنند بر احوال ممالک اسلامی که از آنها دورند

خصوصاً دولت علیه ایران را و ان را در مرد قصیده عزادار مدح ایران بلسان عرب انشاء و طبع فرموده اند که در عالم اول قصیده بشمار است صباح به بازار برای فروش آمد

ما چه کاره ایم ؟ اواره از وطن . ما چطور آواره از وطنیم که در وطنیم ؟ در وطن نیستیم . ما وقتی در وطن خواهیم بود که وطن در ما باشد . وطن چه وقت در ما است ؟ وقتی که از یاد وطن غافل نشویم . کر خیالی در دولت آمدنشست . هر گجا تو میروی ان با تو هست . وقتی که با ما شد ما از گفتن بزبان و دادن مال و گذاشتن از جان مضایقه نخواهیم کرد ایثار این سه چیز باز مثبت وطن خواهی نیست بلکه عات تامه آنست که بدور و بر ریاست نکرديم . یعنی وطن بخواهیم نه ریاست . باندازه این مطلب باریک است که باید در فهم او عد تاموش کافی کرد .

من چطور می توانم مجاهد قطار بند نامجوی را در بیخ گوش او وطن فروش نگویم ؟ ایام ممکن است و گیلی را که برای افتخار یا کسب مال قبول و کالت کنند او را وطن خواه بدانم
 کجا میروی ؟ عنان قلمرا بگیر و برگرد و بر سر نقطه اولی بمان و بشدت بنویس که (وطن خواه ان است که چیز دیگر نخواهد)

اگر بگویم در میان سی کرور نفر ایرانی صد نفر وطن خواه نداریم البته تمام این سی کرور بامن طرف خواهند شد در این صورت من چه خواهم کرد ؟ پس من اینطور نمیکنم بلکه میگویم (وطن خواه آنست که وطن بخواهد) چطور بخواهد ؟ همانطوری که یک عاشق دل باخته یکم محبوب همه چیز را بخواهد

آذربایجان

شخص محترم از اهالی تبریز که در کیلان اقامت داشت این ایام تبریز رفته در مراجعت با جناب ابوی مشغول مذاکره وضع حالیه تبریز بودند و صحبت از تعریف اداره بلدییه و توصیف نظمیه و تسطیح و سنگ فرش کوچه ها و تنظیف شهر بوده در گوشه نشسته عین گفت و شنید را نویشتم هرگاه قابل درج جریده باشد درج والا در چنگال نسیان آویزان فرمائید

سؤال - وضع تبریز چگونه است؟

جواب - از چه بابت؟

س ابابهمین و فور نعمت و امنیت و وقتی قانع و آسوده نشسته اند ج - له خیره افراد ناس و وظیفه خود را در پیشرفت اسباب ترقی ملک و ملت دانسته دقیقه فرو گذاری نمیکنند و منتظر نیستند که از طهران یا پارلمان مقدس تکلیف امن و آسایش آنها را تعیین یا دستور العمل ترتیب بلدییه و نظمیه و عدلیه قرار بدهند شب و روز مشغول فراهم آوردن رفاهیت عامه هستند نظمیه با کمال نظم و بلدییه با کمال ترتیب و عدلیه با کمال عدل تاسیس نموده و بتکمیل نواقص مشغول هستند چنانکه این بنده در این مدت سه چهار ماهی توقف تبریز صدای بانندی از کسی نشنیدم هر گه بایکدیگر میخواست مختصر صدای بلند کنند فوراً مأمور نظمیه حاضر هرگاه گفتگو مختصر است رفع والا با اداره محل یا برتر طرفین را میبرد و از زاق که از خارج و داخل بازار و میدان می آمد قیمت معین و هر کس هر قدر طالب است بدون رحمت خریداری مینماید س - اینها صحیح است مقصود بنده اینست آیا واردات بلدییه و نظمیه که تفایت ژاندارم و پولیس و اجزاء اداره نماید بشالوده صحیحی ریخته و قرار عادلانه داده اند؟ ج - بلی اطلاع دارید که کاروانسرا و حجرات و دککین بازار تبریز کویا در عهد حکومت مرحوم عباس میرزا نایب السلطنه یک باز دید کرده و از روی همان تعدیل مدرسه همسال بیک نفر بیدین اجاره میدادند و حال اینکه دککین نسبت بان زمان بیک بر صد مکانا وسعت و گزایه جات دهه مقابل اضافه شده کاروانسراهای حاجی سید حسین مرحوم و تیه چه

که جدیداً احداث هستند هیچیک بده و مالیات نداشت برای اینکه بازدید جدیدی نکرده اند مثلاً در ب کاروانسرای حاجی سید حسین یا غیره در زمان ساختن کاروانسرا دکانی بوده که سالی پانزده قران دو عشر جمع داشتم اکنون کاروانسرا عبارت از شصت باب اطاق و چندین مخزن و انبار است محل در ب کاروانسرا همان که داخل جزء جمع پانزده قران بده داشته میداد و مباشرین چون محل خرج صحیحی نداشتند و هر چه میکردند جزو وجوه بازیافتی محسوب و ضمناً از مالک کاروانسرا اثر قلچماق بود بعنوان خلعت و انعام هرگاه عاجز و بیچاره بود برسکنه او هر روز بعنوانی اینا و اذیت و آنچه قوه اش میرسید میبرد

حال کاریکه کرده و مشغول هستند تمامی دککین بازار و کاروانسرا و حجرات را فردا فرد بدون استثنای یک زاویه و سکو یکان یکان اسم مالک و اسم و شغل سکنه را و گزایه از سه چهار سال باینطرف را از روی دفت تحقیق و ثبت دفتر و بسکنه اطلاع میدهند گزایه دو ماهه این حجره و دکان در هر سال با اداره بلدییه خواهد رسید باید بصندوق اداره تحویل داده قبض بگیرد هرگاه هشت ماهه اول بگذرد و پرداخت ننماید دو مقابل گرفته خواهد شد اگر چه هنوز قاریغ از نوعی نمانده بود و دولی از قراریکه کسان با علم و وقوف نقل میکردند مبلغ گزافی از این مدرااید صندوق بلدییه خواهد شد دککین محله جات ما اکنون خارج از جزو جمع و محل (حیث یشی) پاکار و گدخدا بوده کمانم اینست پنجاه هزار تومان بلکه زیادتر دو عشر علاقه بگیرد و مالیات اصناف بازار آنها طبق همین دو عشر مستقلات بی قانون و ماخذ است گویان میخواستند بعمل مالیاتی مداخله نمایند و میگفتند برای اوهم از طرف اولیای امور قرارداد صحیح خواهند گذاشت بقیه دارد (علم بن عبدالجبار خیا بانی)

اردبیل

ستارخان با صد سوار و بیست پلیس پیاده وارد اردبیل شده تقریباً ده نفر از سرکرده های اطراف بدون سوار همراه ستارخان هستند ستارخان که در خانه وهاب اوف بود قتل بخانه حاجی امیرالرعایا نموده چنانکه مشروطه خواهان

که در دسته نعمتی بودند راضی نشدند که منزل وهاب اف که حیدری است بوجود ستارخان زینت بگیرد؟ مجاهدین که پس از ورود ستارخان قهر کرده و رفته بودند دوباره بملاطه استمالتی که از ایشان شد مراجعت کردند و برقوت ستارخان افزوده شد سوارهای حسینعلی خان ورشید خان کالش هم بر حسب امر ستاری در تهیه حرکت بوده اند که ملحق باردوی ستارخان شوند

ستارخان برای تحصیل استمداد وقوه از تبریز و طهران پول خواسته است که تجموز عسکر بخوبی نماید عدلیه اردبیل قدزی نقص دارد ، بعضی از اجزاء عدلیه استعفا داده اند . نصره الحکماء از تبریز برای ریاست اردبیل آمده است

نظمیه دابراست . صد پلیس حاضر و آماده دارد و کسی هم از نظمیه اردبیل حکایت ندارد . در این ایام مشغول انتخاب وکلای انجمن بلدی اند که عمالقرب بلدیه دایر و بتکالیف خود مشغول شوند طالب قشلاقی که سه فرسخی شهر اردبیل است طائفه قوجه بکلو و الارلو در انجمن ساکن و مشغول هرزگی اند

دعوی حیدری و نعمتی که از سالیان دراز در میان اهالی اردبیل معمول بود این ایام هم دارد نتیجه میگیرد چنانکه زمزمها بلند شد که ستارخان چرا باید در خانه وهاب اوف منزل کند که وهاب اوف حیدری است و طائفه حیدری مایل باستبدادند و چرا بطرف نعمتی که آمیرزا علی اکبر آقا و آقا میر طاهر و امثال ایشان که موسس مشروطه الدنیامده و چرا ستارخان فلان مجاهد را محکوم بقتل نبرد و چرا فلان غارت را نکرده حاصل از این زخرفات زیاد شنیده میشود که بدو پول نمیآورد

راه اردبیل از طرف آستارا بواسطه همببین دزد دغله قدری مفشوش شده چنانکه چنپار اردبیل صبح چهارشنبه از آستارا حرکت کرده الساعة لیله شنبه از وسط راه باتلیفون خبر میدهد که راه ناامن است بروم

یا برگردم

راه اردبیل از طرف تبریز الی سراپ هم مفشوش و طائفه قوجه بکلو از سمت مشکین باز چیاول میکنند

تلگراف . جواب انجمن ولایتی اردبیل تلگراف آن هیئت محترمه دایر بر اتفاق جماعت شاهسون واصل شد و کاملاً مستحضر عدم یک عدم اردوی نظامی باتوپ و سایر لوازم از انجا فوری حرکت داد و عمالقرب خواهد رسید بایالت جلیله آذربایجان هم تلگراف ائید شد کمک و استعداد و پول برسانند باهالی کرکانه رود و تمام طوالتش و استاراهم تلگراف شد که عده کافی کمک برسانند انشاء الله به اهمات کافی جنابان اجل سردار ملی و سردار حکمران اردبیل تنبیه کامل از اشرار شاهسون بشود که بعدها ان حدود از اشرار آسوده شوند (سپهدار اعظم)

تمنای جواب

از جناب صدیق حرم در کمال ادب خواهی جواب این سؤال میشود سید صالح عرب تبعه عثمانی که شبها همراه پلیس دسته مشهدی قاسم در کوچها و محلات گردش میکند اگر مرتکب جنحه و جنایت و یا مصدر خلاف قانون شد آیا او هم بمثل سایر پلیس در معرض مجازات خواهد آمد ؟ و خواهد حکم قانون مجازات ایران را پذیرفت ؟ و آیا شهیندر عثمانی حمایت خود را از او دریغ خواهد کرد ؟ اگر ایرانی بیچاره باشد در ارتکاب خلاف قانون حرکات قهرانه سید صالح را متحمل میشود ولی سید مزبور در حین ارتکاب خلاف قانون خواهد گفت من شهیندر را میشناسم نه شما را

در نمره سابق وعده کرده بودیم استنطاق شب نامه نویسان را درج کنیم ، ولی چون استنطاق حضرات را از نظمیه بمطبعه آوردند و چیده شد که طبع شود و مرتکبین که بموجب عفو و انعام و وجود محترمی که شب نامه ها بر ضد او نوشته بودند به بزرگواری آزادشان کرده بود شبانه خدمتش رسیدند . بالله عجب که بمحضی که اقرار و اعتراف بتقصیر خود کردند و راهمان شخص گریم را گرم نفس و بزرگواری و ادا کرد که فرمود عوض آنکه شما از من معذرت میخواهید من از شما خجالت دارم و معذرت میخواهم و هیچ نمیگویم که از شما خجالت کاری

قانون فرانسه

(ترجمه شاهزاده آزاده امجد الملک رئیس عدلیه کیلان)
 (ماده اول) سلطنت منفرد تقسیم ناپذیر و اگذار
 نکردنی و حقی است که بمرور زمان باطل نمی شود
 این سلطنت متعلق است بملت ولی هیچ قسمت از ملت و هیچ
 فردی از افراد نمیتواند ادعای تصرف یا مالکیت
 آنرا کند

[ماده دوم] قوائیکه از ملت ناشی میشود بایستی
 توسط نمایندگان خود شان مجری شود .
 مشروطیت شناخته میشود در سه قوه مقننه . قوه
 مجریه . و قوه قضایوت .

(ماده سوم) قوه مقننه منحصر است بمجلس
 شورای ملی و آن مجلس مرکب است از نمایندگانیکه
 در زمان معین ملت در میان خود از ادانه منتخب گردند
 (ماده چهارم) قوه مجریه منحصر است بشخص
 شاه و وزراء مسئول

(ماده پنجم) قوه قضائیه منحصر است به قضاتیکه
 از طرف ملت در زمان معین منتخب شده اند

فصل اول در شورای ملی

(ماده اول) شورای ملی تغییر نا پذیر است و
 مرکب است از یک اطاق

(ماده دوم) هر دو سال انتخاب جدید از اعضاء
 مجلس میشود .

(ماده سوم) انتخاب جدید اعضاء مجلس شورای
 ملی از طرف ملت مستقیماً خواهد شد

(قسمت اول)
 (در عده منتخبین)

[ماده اول] عده منتخبین شورای ملی ۷۴۵ نفر است
 از قرار ۸۳ ایالت که مملکت معین کرده است بعلاوه
 وکلاییکه از سایر مستعمرات Colonies معین میشوند
 (ماده دوم) نمایندگان منقسم میشوند میان ۸۳
 ایالت نسبت براضی و جمعیت و مالیات مستقیم آن ایالت
 (ماده سوم) از ۷۴۵ نماینده ۲۴۷ نفر به بلوکات
 تعلق میگیرد که هر ایالت سه نفر منتخب میکند مگر
 ایالت پاریس که یک نفر بیشتر منتخب نمی نماید (بقیه دارد)
 (افصح المتکلمین)

واقع شده است و از این ترك اولی شما باین کلمه ختم
 می کنم (لا یشرب علیکم الیوم) گرم بنکر جوان
 مردی ببین غیرت تماشاکن
 از شما اهالی کیلان و قارئین محترم انصاف میخواهم
 و جودی گه دست از هستی خود و برادران و کس
 کار و وطن خود بکشد بچه زحمت زیاده استبداد را
 از بیخ برکنند نام پست شده کیلان و کیلانیان را که در اول
 اسباب مذمت عموم ایرانیها از تنبلی و کاهلی و بی تمصبی بود
 بلند آمد اسم کیلان در جراید خارجه اول شه و در منزل سلانیک
 حساب نمایند مخارجات هفتاد نفر آزادی خواه را کشیده
 از راه دور برشت آورده و سه ماه در منزل خودش
 نگاه داری کرده و احدی نفهمیدند و ملتفت نشدند
 که همچو اشخاصی در این خاله هستند تا کرد آنچه را
 که عموم آزادی خواهان دنیا طالب بودند
 و بعد از گشتن سردار افخم و مریدان او چنان بهمت مردانگی
 اورشت امن شود که کسی قدرت نگر دیک نگاه تندی بدیگری کند
 ایارواست هر کسی هر مزخرفی دو باره او
 و کارکنان مشروطه نشر نمایند؟ به آواز بلند میگویم مگر این
 جوان مردی از وجود این چند نفر برادر وطن پرست نشد
 مکرریشه ظلم از وجود این پیش روان مشروطه کنده نشد
 مگر در راه وطن از هستی و جان و مال صرف نظر
 نکردند مگر ما اهالی کیلان همان اشخاص نیستیم که در عهد
 سردار افخم آن جوهر استبداد در صحرا دونهر
 پهلوی هم نمی توانستیم بنشینیم بمجرد نشستن فوری
 فراش و سرریز سیلاخوری بی پدر مادر می آمدند
 بانجش ماها را دور میکردند چرا آن روز را بخاطر
 نمی آوردید و تشکر زحمات این جوانان بافتوت را
 بجانمی آوردید اف بر این بی تمصبی عوض تشکرات
 که از این وجودات محترم کنیم بعضی اشخاص پست فطرت
 بی شرف که بموجب اقرار همان در استنطاق بتحریر یکگی
 دوفر رعایای خارجه گه خرابی کیلان بلکه ایران
 را میخواستند شب نامه که در تمام دنیا از دزدی بدتر است
 بر ضد آن وجودات محترم می نویسند و می اندازند
 باز هم خیال سابق راه میکنند میخواهند یوسف وطن را
 به دراهم معدود بفروشد دولت مشروطه شهر مشروطه
 رعیت مشروطه . باید امورد در تحت قانون مشروطه باشد
 کارکنان مملکت بخواهند از قانون مجزات مشروطه عقب
 بیفتند حکم آنها قانون مشروطه است اشخاصی هستند